نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۱۰۰
سال بیست و نهم، زمستان ۱۴۰۰، صفحه ۲۵۴ - ۲۲۷

تحلیل رابطه عملکرد مالیات بر ارزش‌افزوده با تورم، توزیع درآمد و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در استان‌های ایران

حجت ایزدخواستی
استادیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی گروه اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران (نویسنده مسئول)
izadkhasti321@gmail.com
یداله دادگر
استاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی گروه اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
y_dadgar@sbu.ac.ir
سالار قربی
کارشناس ارشد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی گروه اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
salarghorbi@yahoo.com

مالیات بر ارزش‌افزوده به دلیل مصرفی بودن پایه مالیاتی، پایین بودن هزینه شناسایی، وصول و انتقال بار مالیاتی به مصرف‌کننده نهایی در اقتصاد در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته است. بر این اساس، اجرای کامل آن در ایران می-تواندکارایی نظام مالیاتی را ارتقا دهد. در این راستا، آگاهی سیاست‌گذاران از آثار تثبیتی، توزیعی و تخصیصی مالیات بر ارزش افزوده امری ضروری است. در این تحقیق عملکرد مالیات بر ارزش افزوده بر تورم، توزیع‌درآمد و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در استان‌های ایران در دوره‌ی زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۷)، با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل شده بیانگر این است که مالیات بر ارزش افزوده منجر به کاهش تورم شده است بهبود توزیع درآمد و کاهش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در استان‌ها شده است. در حالت کلی بر حسب سیاست‌های رفاهی کشورها و نحوه جایگزینی این مالیات با سایر مالیات‌ها نوع این اثر می‌تواند متفاوت باشد. علاوه بر این، هدایت درآمد مالیات بر ارزش افزوده برای هزینه‌های زیرساختی و بهبود خدمات دولتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

طبقه‌بندی JEL: E31, H22, H54, O23
واژگان کلیدی: مالیات بر ارزش افزوده، تورم، توزیع درآمد، تملک دارایی‌های سرمایه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰ / ۷ / ۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰ / ۱۲ / ۱۵

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

۱. مقدمه[۱]

یکی از معضلات دولت در کشورهای در حال‌توسعه تأمین مالی هزینه‌های جاری دولت و کاهش کسری بودجه است. درآمدهای مالیاتی نسبت به سایر منابع تأمین مالی هزینه‌های دولت از پایداری بیشتری برخوردار است و می‌تواند در اقتصاد نقش تثبیت‌کننده خودکار داشته باشد. بنابراین، هرچه درآمد مالیاتی سهم بیشتری در تأمین مخارج دولت داشته باشد، از ایجاد آثار نامطلوب اقتصادی جلوگیری می‌شود؛ به عبارت دیگر مالیات‌ها از یک طرف نقش تأمین مالی هزینه‌های دولت را ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، نقش بسزایی در تنظیم امور اقتصادی خواهد داشت (جعفری صمیمی، ۱۳۸۴). بر این اساس، با توجه با پایین بودن سهم درآمدهای مالیاتی در تأمین اعتبارت هزینه‌ای دولت و برخی ناکارآمدی‌های دیگر نظام مالیاتی به خصوص در کشورهای درحال توسعه در دهه‌های اخیر، گسترش پایه‌های مالیاتی و تعدیل برخی نرخ‌های مالیاتی در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است. مالیات بر ارزش افزوده[۲] به دلیل مصرفی بودن پایه مالیاتی، پایین بودن هزینه شناسایی، وصول و انتقال بار مالیاتی به مصرف‌کننده نهایی در اقتصاد در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته است. مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات بر فروش چند مرحله‌ای است که در مراحل مختلف زنجیره واردات، تولید و توزیع بر اساس درصدی از ارزش کالاهای فروخته شده یا خدمات ارائه شده در هر مرحله اخذ می‌گردد و به سه نوع تولیدی، درآمدی و مصرفی طبقه‌بندی می‌شود (لین[۳]، ۲۰۰۸). این نوع مالیات در نهایت توسط مصرف‌کننده نهایی پرداخت می‌شود. بر این اساس، در بیش از ۱۶۰ کشور در جهان، مالیات برارزش افزوده اجرا شده است و در این زمینه اتفاق نظر وجود دارد. آنچه در اجرای کامل مالیات بر ارزش افزوده در یک نظام مالیاتی باید به آن توجه شود، آثار تثبیتی، توزیعی و تخصیصی آن است که در کشورهای مختلف ممکن است آثار متفاوتی داشته باشد.

---

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید بهشتی است.

2. Value Added Tax
3. Lin

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

اجرای نظام مالیات بر ارزش افزوده از دهه ۱۳۶۰ در ایران مدنظر سیاستگذاران قرار گرفته است و پس از بررسی‌های کارشناسی فراوان، در نهایت مفاد لایحه یاد شده در مهرماه ۱۳۸۶ مطابق با اصل ۸۵ قانون اساسی، مشتمل بر ۵۳ ماده و ۴۷ تبصره، بررسی و به تصویب رسیده است. سپس، با موافقت مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان اجرای آزمایشی آن به مدت ۵ سال از مهرماه ۱۳۸۷ آغاز شده است و تا سال ۱۳۹۸ اجرای آزمایشی آن ادامه داشته است. بنابراین، با توجه به اینکه لایحه مربوط به مالیات بر ارزش افزوده در حال بررسی نهایی به منظور تبدیل شده به قانون است، ضروری است آثار تثبیتی، توزیعی و تخصیصی آن در دوره اجرای آزمایشی در ایران مورد بررسی قرار گیرد.

در برخی پژوهشی‌های داخلی به بررسی رابطه بین مالیات بر ارزش‌افزوده و تورم در استان‌های ایران (انصاری سامانی و داودی، ۱۳۹۶)، در برخی به بررسی اثر مالیات بر ارزش‌افزوده بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب (امین رشتی و رفعت میلانی، ۱۳۹۰) و در برخی تأثیر مالیات بر ارزش‌افزوده بر مخارج دولت در ایران (علیزاده و مطلبی، ۱۳۹۵)، را بررسی کرده‌اند. هدف اصلی این تحقیق تحلیل اثرات عملکرد مالیات بر ارزش‌افزوده بر تورم، توزیع درآمد و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در استان‌های ایران در دوره زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۷)، با استفاده از روش داده‌های تابلویی است. نوآوری این پژوهش بررسی همزمان اثرات مالیات بر ارزش افزوده بر تورم، توزیع درآمد و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در استان‌های ایران است.

در ادامه، در بخش دوم به تشریح ادبیات نظری و پیشینه تحقیق پرداخته می‌شود. در بخش سوم به تصریح الگوهای مورد نظر پرداخته می‌شود. در بخش چهارم، برآورد الگوهای تصریح شده و تحلیل نتایج صورت می‌گیرد. در نهایت، در بخش پنجم به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

۲-۱. مفهوم مالیات بر ارزش افزوده

مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات بر فروش چند مرحله‌ای است که در مراحل مختلف زنجیره واردات، تولید، توزیع و مصرف بر اساس درصدی از ارزش کالاهای فروخته شده یا خدمات ارائه شده در هر مرحله اخذ می‌گردد تا نهایتاً توسط مصرف کننده نهایی پرداخت گردد. پایه مالیات بر

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

ارزش افزوده اولین گام در برآورد درآمد مالیات بر ارزش افزوده است. بر اساس مبانی نظری، مالیات بر ارزش افزوده به سه نوع[۱] تولیدی، درآمدی و مصرفی طبقه‌بندی می‌شود (لین، ۲۰۰۸):

۱. مالیات بر مبنای تولید:[۲] در این روش مالیات بر همه کالاهای تولید و مصرفی اعمال می‌شود و دارای گسترده‌ترین پایه مالیاتی است؛ اما با توجه به اینکه به کالاهای سرمایه‌ای اعتبار مالیاتی تعلق نمی‌گیرد، انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.

۲. مالیات بر مبنای درآمد:[۳] در این روش مالیات استهلاک را شامل نمی‌شود و بر کالاها و خدمات مصرفی و مخارج سرمایه‌گذاری خالص اعمال می‌شود. پایه مالیاتی در این روش مجموع درآمد پرداختی به عوامل پس از کسر مخارج دستمزدی است. به همین دلیل به آن مالیات بر ارزش افزوده از نوع درآمدی گفته می‌شود.

۳. مالیات بر مبنای مصرف:[۴] در این روش کالاها و خدمات مصرفی مشمول مالیات است و سرمایه‌گذاری و استهلاک از شمول پایه مالیاتی خارج می‌شود و پایه مالیاتی کاهش می‌یابد. مالیات بر ارزش افزوده از نوع مصرفی به لحاظ اینکه اختلال کمتری در تصمیمات سرمایه‌گذاری عاملان اقتصادی ایجاد می‌کند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته شده است.[۵]

نرخ و پایه مالیات بر ارزش افزوده در کشورهای مختلف دنیا متفاوت بوده و متوسط نرخ به‌کار گرفته شده ۵ تا ۱۸ درصد بوده است.[۶] هر چند در بعضی از کشورها، برخی از خدمات مثل خدمات دارویی، بیمارستانی، خدمات امنیتی، خدمات خانه، خدمات بیمه، خدمات پستی و خدمات زیربنایی مثل آب، برق و گاز مشمول مالیات نمی‌شوند، اما در برخی دیگر از کشورها، پایه مالیات بر ارزش

---

۱. نظام مالیات بر ارزش افزوده را بر مبنای دو اصل مبدأ و مقصد می‌توان اجرا کرد. در اصل مبدأ، مالیات بر ارزش افزوده بر ارزش تمام محصولات مشمول مالیات که در داخل تولید می‌شود، اعمال می‌گردد. در اصل مقصد، مالیات بر ارزش افزوده بر ارزش تمام محصولاتی که در داخل مصرف می‌شوند، اعمال می‌شود.

2. Product Type of value Added Tax
3. Income Type of Value Added Tax
4. Consumption type of value added Tax

۵. رجوع کنید به: Tait, 1991

۶. رجوع کنید به:

Worldwide VAT GST and Sales Tax Guide (2018)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

افزوده وسیع‌تر از سایر مالیات‌های سنتی بوده و مواردی از قبیل خدمات تفریحی، خدمات حمل و نقل، خدمات قانونی، خدمات ملکی و حتی خدمات زیربنایی را نیز در بر می‌گیرد. در اغلب کشورها از جمله جامعه اقتصادی اروپا[1] ساختار نرخ‌گذاری دوگانه اعمال می‌شود. این ساختار شامل یک نرخ عمومی (استاندارد) بر کالاها و خدمات و یک نرخ پایین‌تر از آن بر مواد غذایی، دارو، سوخت منازل، کتاب‌ها، مجلات و حمل و نقل عمومی اعمال می‌شود (ایزدخواستی و عرب‌مازار، ۱۳۹۶).

۲-۲. سابقه و اهمیت مالیات بر ارزش افزوده

ایده اولیه مالیات بر ارزش افزوده توسط فون‌زیمنس[2] بازرگان آلمانی طی جنگ جهانی اول در سال (۱۹۱۶)، جهت تأمین هزینه‌های دولت آلمان معرفی شده است. سپس، آدامز[3] در سال (۱۹۲۱)، پایه مالیاتی مشابهی را بر اساس روش فاکتورنویسی- اعتباری[4] در آمریکا مطرح کرده است. موریس لوره[5] نیز نقش قابل توجهی در توسعه مفهومی این سیستم مالیاتی در فرانسه داشته است و از وی به عنوان پدر مالیات بر ارزش افزوده نام برده می‌شود. هرچند این پیشنهادها در فاصله جنگ جهانی اول و دوم مورد استقبال قرار نگرفته است؛ اما پس از جنگ جهانی دوم، منافع گسترده مالیات بر ارزش افزوده باعث شده است تا این نوع مالیات در سال ۱۹۴۸ در فرانسه به منظور تأمین هزینه‌های بازسازی و پرداخت بدهی‌های دوران جنگ جهانی دوم معرفی شود. این مالیات ابتدا در بخش صنعت به‌کار گرفته شد و کالاهای سرمایه‌ای را شامل می‌شد، اما در سال ۱۹۵۴ به صورت مالیات بر مصرف اعمال شد. بنابراین، از سال ۱۹۵۴ به بعد کشورهایی نظیر آلمان، فرانسه و دانمارک به عنوان پیشگامان به کارگیری نظام مالیات بر ارزش افزوده به دنبال جایگزینی این نظام مالیاتی جدید با سایر مالیات‌ها بوده‌اند. فرانسه در سال ۱۹۸۶، مالیات بر ارزش افزوده را به صورت مالیاتی جامع به مرحله‌ی خرده‌فروشی گسترش داد. در دهه ۱۹۶۰ بسیاری از کشورهای اروپایی از مزایای مالیات بر ارزش افزوده آگاه شدند و این مالیات به تدریج در نظام مالیاتی بسیاری از کشورهای اروپایی به‌کار

1. European Commission
2. Von Siemens
3. Adams
4. Sales & Turnover Taxes
5. Maurice Laure

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

گرفته شد. در اواسط دهه ۱۹۶۰ جامعه اروپا[1] به منظور هماهنگ‌سازی نظام مالیاتی و بهبود جریان کالاها و خدمات، تمام کشورهای عضو را مکلف به پذیرفتن ساختار مالیات بر ارزش افزوده کرد و نیز پذیرش این مالیات را به عنوان یکی از پیش‌نیازهای لازم به منظور عضویت در جامعه اروپا قرار داد. بر این اساس، در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بسیاری از اعضای جامعه مشترک کشورهای اروپایی این مالیات را پذیرفتند. دانمارک در سال ۱۹۶۷، آلمان غربی در سال ۱۹۸۶، هلند در سال ۱۹۶۹، لوکزامبورگ در سال ۱۹۷۰، بلژیک در سال ۱۹۷۱، ایرلند در سال ۱۹۷۲، ایتالیا در سال ۱۹۷۳ و انگلستان در سال ۱۹۷۳ اقدام به وضع مالیات بر ارزش افزوده کردند. در همین زمان و در دهه‌های بعدی کشورهای دیگری از قبیل برزیل، اروگوئه، مکزیک، آرژانتین، شیلی، ساحل‌عاج، آمریکا، ژاپن، استرالیا، نروژ، سوئد، الجزایر، مغرب و تونس نظام مالیات بر ارزش افزوده را جایگزین برخی مالیات‌های دیگر از قبیل مالیات بر فروش کالاهای کارخانه‌ای، مالیات بر کل فروش و مالیات بر درآمد شرکت‌ها کرده‌اند (تایل[2]، ۱۹۹۱).

مهم‌ترین دلیل مقبولیت مالیات بر ارزش افزوده در کشورهای اروپایی، به سیاست هماهنگ‌سازی سیستم مالیاتی و بهبود جریان کالاها و خدمات تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا بر می‌گردد، به طوری که اتحادیه اروپا یکی از پیش نیازهای لازم به منظور عضویت در جامعه اروپا را پذیرش مالیات بر ارزش افزوده توسط کشور مربوطه در نظر گرفته است. به علاوه، انتقال از سیستم برنامه‌ریزی متمرکز به سیستم متکی به مکانیزم بازار نیز لزوم تغییر سیستم مالیاتی را در کشورهای اروپایی مرکزی و شرقی ایجاب کرد. کشورهای مجری مالیات بر ارزش افزوده دارای ساختارها و سطح درآمدی متفاوت از یکدیگر هستند. این بدان معنا است که مالیات بر ارزش افزوده نه تنها در کشورهای توسعه‌یافته قابلیت اجرا دارد، بلکه امکان پیاده‌سازی آن در کشورهای در حال‌توسعه و کمتر توسعه‌یافته نیز وجود دارد. با این وجود، اکثر کشورهایی که به عنوان پیشرو در اجرای مالیات بر ارزش افزوده بوده‌اند، کشورهای توسعه‌یافته و اروپایی هستند و سایر کشورها به تدریج با مشاهده موفقیت کشورهای مذکور و آگاهی از مزایای مالیات بر ارزش افزوده آن را در نظام مالیاتی خود

1. European community
2.Tail

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

معرفی کرده‌اند. در این ارتباط، مالیات بر ارزش افزوده سال‌های اخیر در کشورهایی بوسنی (۲۰۰۶)، گویان (۲۰۰۷)، تاجیکستان (۲۰۰۷)، ایران (۲۰۰۸)، لائوس (۲۰۰۹)، نیوئه (۲۰۰۹) و کنگو (۲۰۱۲) نیز اجرا شده است. در حال حاضر، بیش از ۱۶۰ کشور در جهان، مالیات برارزش افزوده (یا مالیات بر کالاها و خدمات)[1] را اجرا می‌کنند (ایزدخواستی و عرب‌مازار، ۱۳۹۶). در جدول شماره (۱)، تعداد کشورهای مجری مالیات بر ارزش افزوده بر حسب منطقه ارائه شده است.

جدول ۱. کشورهای مجری مالیات بر ارزش افزوده برحسب منطقه در جهان

ردیف	منطقه	تعداد کشورهای مجری (۲۰۱۷)	تعداد کشورهای مجری (۲۰۰۱)	تعداد کشورهای مجری (۱۹۸۹)	تعداد کشورهای مجری (۱۹۷۹)
۱	آسیا و اقیانوسیه	۳۳	۲۱	۹	۱
۲	اروپا	۵۳	۴۲	۶	۱۲
۳	آمریکا	۳۰	۲۲	۱۶	۱۲
۴	آفریقا	۴۴	۳۰	۶	۱
جمع		۱۶۰	۱۱۵	۳۷	۲۶

ماخذ: The Worldwide VAT,GST and Sales Tax Guide, 2018

۳-۲. اثرات تثبیتی، توزیعی و تخصیصی مالیات بر ارزش افزوده

از جمله مسائلی که موجب شده پرداخت و وصول مالیات‌ها نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری در اقتصاد کشورها داشته باشد، این است که از مالیات‌ها به عنوان یک ابزار می‌توان در جهت تحقق ثبات و رشد اقتصادی، توزیع عادلانه درآمدها و گسترش خدمات عمومی و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی

۱. مالیات بر ارزش افزوده در اکثر کشورهای مجری این مالیات تحت نام «مالیات برارزش افزوده» در حال اجراء است، اما در برخی از کشورها نام‌های متفاوتی برای این مالیات به‌کار گرفته می‌شود. برای مثال، مالیات بر ارزش افزوده در آرژانتین، مکزیک و اروگوئه تحت عنوان Impuestoal Vabr Agregado و در کانادا و نیوزلند با نام مالیات بر کالاها و خدمات (GST) اجراء می‌شود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

توسط دولت استفاده کرد. بر این اساس، افزایش مالیات بر ارزش‌افزوده از مهم‌ترین موارد توسعه سیستم مالیاتی در دهه‌های اخیر بوده است (کین و لاکوود[1]، ۲۰۱۰).

- اثرات تثبیتی: رویکرد مالیات بر ارزش‌افزوده در مورد کالاهای سرمایه‌گذاری می‌تواند به عنوان مشوق سرمایه‌گذاری و تولید عمل کرده و زمینه‌های رشد اقتصادی را فراهم آورد، از سوی دیگر جانشینی مالیات بر ارزش‌افزوده به جای برخی از مالیات‌های پیشین سبب کارایی بیشتر نظام مالیات و در نتیجه رشد اقتصادی در بلندمدت گردد. مالیات بر ارزش افزوده علی رغم مزایا و ویژگی‌های مفید آن دارای معایبی است و ممکن است باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در ابتدای اعمال این مالیات شود (آیکپ و نیگ[2]، ۲۰۱۳). بانک جهانی (۱۹۹۰) در یک مطالعه جامع به بررسی اثر مالیات بر ارزش افزوده بر روی تورم پرداخته است. نتیجه حاصل از آن بیانگر این است که در ۲۲مورد اجرای مالیات بر ارزش افزوده بدون اثر و در ۸ مورد منجر به افزایش یکباره در سطح عمومی قیمت‌ها شده است. تایت[3] (۱۹۹۱) در یک بررسی جامع آثار تجربی پیاده کردن نظام مالیات بر ارزش افزوده بر تورم در ۳۵ کشور جهان بررسی کرده است و به این نتیجه رسیده که در ۲۹مورد هیچ گونه افزایشی در تورم مشاهده نشده و در ۶ مورد افزایش تورم بعد از اعمال این نظام مشهود بوده است. در بررسی اثر تغییر در سیستم مالیات بر ارزش افزوده با استفاده از یک الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه بر قیمت‌ها از طریق شبیه‌سازی بیانگر این است که تغییرات نرخ مالیات بر ارزش افزوده قیمت تمامی بخش‌های مصرفی را بین ۰/۳ تا ۶/۹ درصد افزایش داده است (یل جت[4]، ۲۰۰۳). در پژوهشی دیگر، اجرای مالیات بر ارزش‌افزوده بیش ترین تورم را در بخش حمل و نقل، نوشیدنی‌های الکلی، ارتباطات و تنباکو و کمترین تورم را در خدمات هتل و پوشاک در لتونی ایجاد کرده است (بنکاسکیس و فادجوا[5]، ۲۰۱۴).

1. Keen & Lockwood
2. Ikpe & Nteegah
3. Tita
4. GillJet
5. Benkovskis & fadejeva

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

- اثرات توزیعی: بر اساس مبانی نظری، ساختار مالیات‌ها و نحوه هزینه کردن آن توسط دولت بر توزیع درآمد اثرگذار است. بنابراین، اگر درآمد حاصل از مالیات بر ارزش‌افزوده باعث تدارک کالاهای عمومی شود، از این طریق نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد (آلواتونکی و همکاران[1]، ۲۰۱۸). در شرایطی که مالیات بر ارزش افزوده بر کالاها و خدمات ضروری که عمدتاً دارای کشش قیمتی تقاضای پایینی هستند وضع شود، پرداخت کنندگان عمده مالیات قشر کم درآمد جامعه هستند، چراکه سهم کالاهای ضروری در بودجه خانوارهای کم درآمد در مقایسه با خانوارهای با درآمد بالا بیشتر است. وضع این نوع مالیات هنگامی که با یک نرخ و پایه وسیع صورت می‌گیرد، فشار مالیاتی بیشتری را بر خانوارهای با درآمد پایین وارد میکند (رشتی و رفعت میلانی، ۱۳۹۰). در پژوهشی دیگری که در کشورهای (OECD) انجام شده است، ساختار مالیات‌ها بر توزیع درآمد بررسی شده و این نتیجه حاصل شده است که افزایش نسبت مالیات بر نیروی کار به مالیات بر سرمایه و هچنین افزایش نسبت مالیات بر مصرف به مالیات بر سرمایه منجر به افزایش نابرابری درآمدی می‌شود. در مقابل، افزایش نسبت مالیات بر نیروی کار به مالیات بر مصرف نابرابری توزیع درآمد را کاهش داده است (لوسیفیدی و مایلونیدیس[2]، ۲۰۱۷). در پژوهشی دیگر تأثیر مالیات بر ارزش‌افزوده بر توزیع درآمد از کانال تأثیر بر قدرت خرید مصرف‌کنندگان بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان داده باعث کاهش نابرابری درآمدی می‌شود (متکوهی[3]، ۲۰۱۵). بنابراین در کشورهای درحال‌توسعه اینکه وضع این نوع مالیات مناسب می‌باشد یا خیر به‌شدت مورد بحث است؛ زیرا برخی معتقدند که خانوارهای فقیر سهم بیشتری از درآمد خود را مصرف می‌کنند و خانوارهای با درآمد پایین بیش از خانوارهای با درآمد بالا تحت فشار هستند و توزیع درآمد با اجرای این مالیات بدتر می‌شود. این اثر مالیات‌های غیرمستقیم بر توزیع درآمد به اثر تنازلی معروف است. برای جبران اثر تنازلی مالیات بر ارزش‌افزوده معمولاً کالاهای اساسی مورد مصرف اقشار کم‌درآمد و یا بخش‌های دارای ارزش افزوده پایین از پرداخت مالیات بر ارزش‌افزوده معاف می‌شوند (فارابی، ۱۳۹۰).

1. Alavuotunki et al.
2. Losifidi & Mylonidis
3. Metekohy

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

- اثرات تخصیصی: تأمین کامل مخارج جاری دولت از محل درآمدهای مالیاتی، از اهدافی است که همواره مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشورها بوده است. بنابراین، باثبات‌ترین ابزار قابل برنامه‌ریزی برای بودجه عمومی مالیات است. در برخی پژوهش‌های دیگر، دلیل محکمی برای اثبات اثر مثبت مالیات بر ارزش‌افزوده بر اندازه دولت وجود ندارد (لی و همکاران[1]، ۲۰۱۳). بنابراین، بر حسب سیاست‌های رفاهی کشورها و نحوه جایگزینی این مالیات با سایر مالیات‌ها نوع این اثر می‌تواند متفاوت باشد. علاوه بر این، هدایت درآمد مالیات بر ارزش افزوده برای هزینه‌های زیرساختی و بهبود خدمات دولتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (قادر عامر و همکاران[2]، ۲۰۲۰).

٤-۲. پیشینه تحقیق

قادر عامر و همکاران (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر وضع مالیات بر ارزش افزوده بر اقتصاد عربستان با توجه به چشم انداز ۲۰۳۰ با استفاده از روش تحلیلی- استقرایی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که وضع مالیات بر ارزش افزوده منجر به افزایش قیمت و به نوبه خود کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان می‌شود. همچنین درآمد حاصل از مالیات بر ارزش افزوده در افزایش درآمد عمومی نقش دارد. علاوه بر این، هدایت درآمد مالیات بر ارزش افزوده برای هزینه‌های زیرساختی و بهبود خدمات دولتی را توصیه کرده‌اند.

آلواتونکی و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی رابطه بین مالیات ارزش‌افزوده و نابرابری توزیع درآمد را در کشورهای منتخب با استفاده از روش داده‌های تابلویی در دوره (۲۰۱۰-۱۹۷۵) بررسی کرده‌اند. در این تحقیق تولید ناخالص داخلی سرانه، حجم تجارت، سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در GDP و آموزش به عنوان متغیرهای کنترلی و اندازه دولت به عنوان متغیری از درجه دموکراسی در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که مالیات بر ارزش افزوده نابرابری توزیع درآمد را افزایش داده است و بر نابرابری مصرف اثرگذار نبوده است.

---

1. Lee et al.
2 . Ghadeer Amer et al.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

لوسیفیدی و مایلونیدیس (۲۰۱۷) در پژوهشی تأثیر ساختار مالیات بر توزیع درآمد را با در نظر گرفتن مالیات بر نیروی کار، مالیات بر سرمایه و مالیات بر مصرف را با استفاده از روش داده‌های تابلویی در کشورهای (OECD) در دوره (۲۰۰۱-۱۹۷۰) بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از آن نشان می‌دهند که افزایش نسبت مالیات بر نیروی کار به مالیات بر سرمایه و هچنین افزایش نسبت مالیات بر مصرف به مالیات بر سرمایه منجر به افزایش نابرابری درآمدی می‌شود. در مقابل، افزایش نسبت مالیات بر نیروی کار به مالیات بر مصرف نابرابری توزیع درآمد را کاهش داده است.

متکوهی[1] (۲۰۱۵) در پژوهشی تأثیر مالیات ارزش‌افزوده را بر توزیع درآمد مصرف‌کننده در جاوه غربی با استفاده از روش توصیفی تحلیلی در سال (۲۰۱۵) بررسی کرده است. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که این نوع مالیات به دلیل تأثیر بر قدرت خرید مصرف‌کنندگان باعث کاهش نابرابری درآمدی شده است.

بنکاسکیس و فادجوا (۲۰۱۴)، در پژوهشی اثر مالیات بر ارزش‌افزوده بر تورم را با استفاده از شاخص قیمت مصرف‌کننده در لتونی در دوره (۲۰۱۳-۲۰۱۰) بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل شده بیانگر این است که پس از اجرای مالیات بر ارزش افزوده بیش‌ترین تورم در بخش حمل و نقل، نوشیدنی‌های الکلی، ارتباطات و تنباکو صورت گرفته است و کمترین نرخ تورم مربوط به خدمات هتل و پوشاک بوده است.

لی و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی اثر مالیات بر ارزش افزوده را بر اندازه دولت را در ۲۹کشور (OECD) در دوره (۲۰۰۷-۱۹۷۰) با استفاده از روش داده‌های تابلویی بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از آن نشان بیانگر این است که مالیات بر ارزش‌افزوده اثر کمی بر رشد اندازه دولت داشته است.

الانتاجی[2] (۲۰۱۳)، در پژوهشی به بررسی رابطه مالیات بر ارزش‌افزوده و تورم به روش استنباط آماری پرداخته است. بر این اساس داده‌های تحقیق ازطریق مصاحبه شفاهی، پرسش‌نامه و گزارش سالانه مرکز آمار نیجریه تهیه شده است. نتایج حاصل شده بیانگر این است که کاهش یا افزایش نرخ تورم به وسیله مالیات بر ارزش‌افزوده تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد.

1. Metekohy
2. Olatunji

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

کوان کامینادا و همکاران[1] (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه نابرابری درآمد، مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی در ۲۰ کشور عضو OECD در دوره زمانی (۲۰۰۰-۱۹۸۰) با استفاده از روش تجزیه بودجه پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که در بیشتر کشورها، میزان توزیع مجدد افزایش یافته است و حقوق بازنشستگی سالخوردگی عمومی و طرح بازماندگان ۶۰ درصد به افزایش توزیع مجدد در طی دوره ۱۹۸۵-۲۰۰۵ برای زیرمجموعه‌ای از کشورهای در نظر گرفته شده (با اطلاعات کامل مالیات / مزایا) نسبت داده شده است. همچنین، کمک‌های اجتماعی ۲۰درصد و مزایای بیماری، بیماری و معلولیت حدود ۱۳درصد از کل افزایش توزیع مجدد را تشکیل می‌دهد. انتقال‌های دیگر (مزایای شغلی نامعتبر، مزایای تحصیلات، مزایای نقدی مراقبت از کودک و سایر مزایای کودک و خانواده) ۲۲درصد از کل افزایش توزیع مجدد را تشکیل می‌دهد. برعکس، مالیات‌ها طی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۵، ۱۷ درصد توزیع مجدد را کندتر کرده‌اند.

انصاری سامانی و داودی (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین مالیات بر ارزش‌افزوده و تورم با استفاده از روش داده‌های تابلویی طی سال‌های (۱۳۹۲- ۱۳۸۷) در استان‌های ایران پرداخته است. نتایج بیانگر این است که مالیات بر ارزش‌افزوده اثر مثبت و معناداری بر تورم در استان‌ها داشته است.

ایزدخواستی و عرب‌مازار (۱۳۹۶)، در پژوهشی به تحلیل عملکرد، کارایی وصول و چالش‌های اجرایی مالیات بر ارزش افزوده با استفاده از روش جدول داده ستانده و داده‌های سال ۱۳۸۹ در ایران پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که پایه بالقوه مالیات بر ارزش افزوده ۴۰۴ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. همچنین، نتایج بیانگر این است که کارایی وصول مالیات بر ارزش افزوده به روش مصرف، با لحاظ کردن معافیت‌ها و تعدیلات لازم در قانون مالیات بر ارزش افزوده ۵۵ درصد محاسبه شده است.

علیزاده و مطلبی (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی تأثیر مالیات بر ارزش‌افزوده بر مخارج دولت با استفاده روش ARDL در دوره زمانی (۱۳۸۷:۴) تا (۱۳۹۵:۲) در ایران پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق

1. Koen Caminada et al.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

نشان می‌دهد که مالیات بر ارزش‌افزوده بر مخارج دولت جاری و عمرانی دولت تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته است.

امین رشتی و رفعت میلانی (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی اثر مالیات بر ارزش‌افزوده بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب با استفاده از روش داده‌های تابلویی کشورهای منتخب در دوره زمانی (۲۰۰۰-۲۰۰۵) پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در کشورهای کم درآمد با افزایش سهم مالیات بر ارزش‌افزوده ضریب جینی افزایش می‌یابد، اما در کشورهای پردرآمد با افزایش سهم مالیات بر ارزش‌افزوده ضریب جینی کاهش می‌یابد و باعث کاهش نابرابری درآمد می‌شود.

طیب‌نیا و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی به بررسی اثرات احتمالی اجرای مالیات بر ارزش‌افزوده بر نابرابری درآمد با استفاده از جدول داده و ستانده در ایران پرداخته‌اند. نتایج حاصل شده بیانگر این است که اجرای مالیات بر ارزش‌افزوده براثر معناداری بر نابرابری درآمد در ایران نخواهد داشت.

۵-۲. حقایق آشکار شده

بر اساس آمارهای گزارش شده در جدول (۲)، سهم مالیات بر ارزش افزوده از کل درآمدهای مالیاتی در ایران از یک درصد در سال ۱۳۸۷ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. همچنین، سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات بر کالاها و خدمات در ایران از ۱۵ درصد در سال اول اجرای آن به ۶۷/۳ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

جدول ۲. شاخص‌های مالیاتی مرتبط با مالیات بر ارزش افزوده در دوره (۱۳۹۶-۱۳۸۷)

سال	نسبت مالیات بر ارزش افزوده به کل درآمدهای مالیاتی (درصد)	نسبت مالیات بر ارزش افزوده به مالیات بر کالاها و خدمات (درصد)	نسبت مالیات بر ارزش افزوده به GDP (درصد)
۱۳۸۷	۱	۱۵	۰/۰۰۶
۱۳۸۸	۵/۳	۵۶/۷	۰/۰۳۹
۱۳۸۹	۷/۳	۵۵/۲	۰/۰۴۱
۱۳۹۰	۹	۵۴/۴	۰/۰۵۱
۱۳۹۱	۱۳	۷۶/۷	۰/۰۷۶
۱۳۹۲	۲۰	۷۵/۹	۱/۱
۱۳۹۳	۲۳/۵	۷۶/۹	۱/۲
۱۳۹۴	۲۵	۸۰	۱/۷
۱۳۹۵	۲۲	۶۶	۱/۶
۱۳۹۶	۲۳	۶۷/۳	۱/۷

مأخذ: گزارش‌های عملکرد مالی دولت- معاونت نظارت مالی و خزانه‌داری کل کشور

میانگین ضریب جینی به عنوان یکی از شاخص‌های توزیع درآمد در استان‌های کشور طی سال‌های (۱۳۹۵-۱۳۸۷) در نمودار (۱)، نشان داده شده است. کمترین مقدار میانگین ضریب جینی ۰/۳ و مربوط به استان ایلام بوده است. همچنین، بیشترین مقدار میانگین ضریب جینی ۰/۳۹ و مربوط به استان تهران بوده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

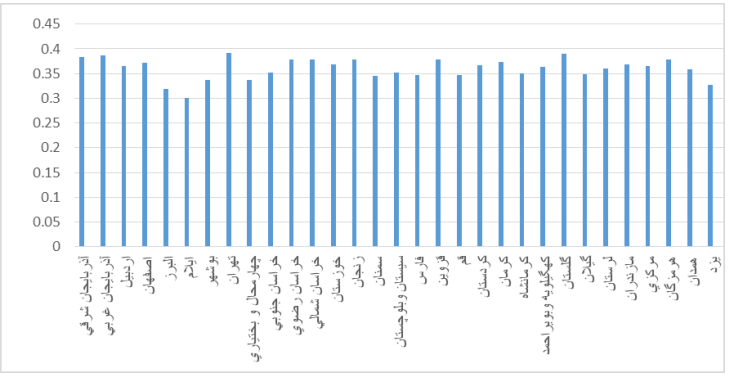

نمودار ۱. میانگین ضریب جینی استان‌های کشور در دوره زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۷)

میانگین نرخ تورم به عنوان یکی شاخص‌های بی‌ثباتی اقتصادی در استان‌های کشور را در طی دوره زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۷) در نمودار (۲)، نشان داده شده است. بررسی تغییرات تورم در بین استان‌های ایران نشان می‌دهد که بیشترین میانگین نرخ تورم مربوط به استان قزوین (۳۳/۸ درصد) و کمترین آن مربوط به استان ایلام (۶/۹ درصد) است. بر این اساس، خانوارهای ساکن استان قزوین به طور متوسط ۸/۳ درصد بیشتر از میانگین کل کشور (۲۵/۵) و خانوارهای ساکن استان ایلام به طور متوسط ۱۸/۶ درصد کمتر از میانگین کل کشور برای خرید یک مجموعه کالا و خدمات یکسان هزینه کرده‌اند.

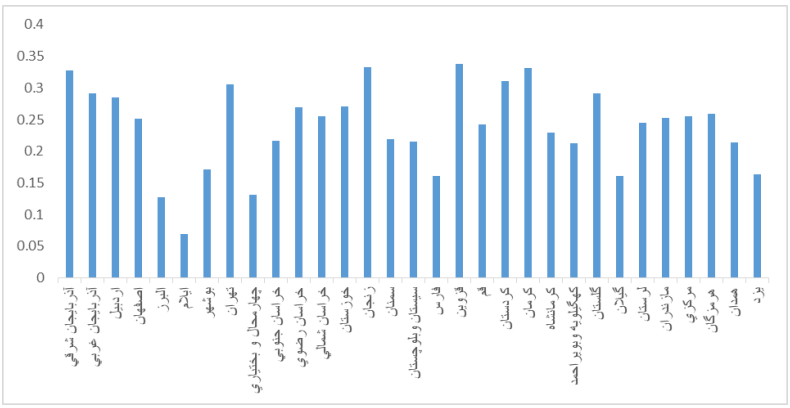

نمودار ۲. میانگین نرخ تورم استان‌های کشور در دوره زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۷)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

میانگین تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به عنوان یکی از شاخص‌های تخصیص منابع در استان‌های کشور در دوره (۱۳۹۵-۱۳۸۷) در نمودار (۳) نشان داده شده است. رتبه اول متوسط تملک دارایی سرمایه‌ای تحقق یافته مربوط به استان خوزستان و کمترین میزان مربوط به استان سمنان بوده است.

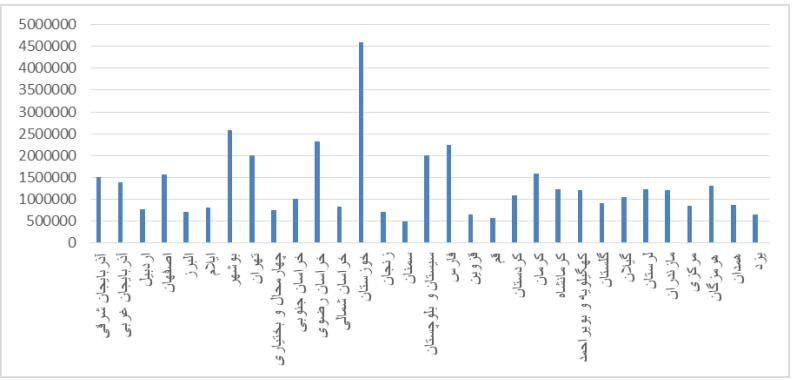

نمودار ۳. میانگین تملک دارایی سرمایه‌ای استان‌های کشور در دوره زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۷) - (میلیون ریال)،

۳. روش تحقیق و داده‌ها

در ادامه با استفاده از مبانی نظری به تصریح الگوهای اقتصادسنجی به منظور بررسی آثار تثبیتی، توزیعی و تخصیصی مالیات بر ارزش افزوده در دوره اجرای آزمایشی آن در استان‌های ایران پرداخته می‌شود. با استفاده از مبانی نظری و به پیروی از آلاوتونکی و پیرتیلا[1] (۲۰۱۵)، لوسیفیدی و مایلونیدیس (۲۰۱۷) و آلاوتونکی و همکاران (۲۰۱۸)، به بررسی اثر مالیات بر ارزش‌افزوده بر توزیع درآمد پرداخته می‌شود:

$$gini_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 lGDPc_{it} + \alpha_2 lVAT_{it} + \alpha_3 lotherTAX_{it} + \alpha_4 \mathrm{inf}_{it} + e_{it} \qquad (۱)$$

که در آن، $gini$، ضریب جینی استان i ام در سال t ام، $lGDPc_{it}$ لگاریتم تولید سرانه استان i ام درسال t ام، $lVAT_{it}$، لگاریتم سهم مالیات بر ارزش‌افزوده در استان i ام درسال t ام، $lother\ TAX_{it}$ لگاریتم سهم سایر مالیات‌ها از کل درآمدهای مالیاتی در استان i ام در سال t ام و in_{it} نرخ تورم در استان i ام در سال t ام و e_{it} جمله اخلال است.

1. Alavuotunki & Pirttila

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

با استفاده از مبانی نظری و به پیروی از تایت[1] (۱۹۹۱)، کرر و دانینگر[2] (۲۰۰۸)، (آیکپ و نیگ[3]، ۲۰۱۳) و (بنکاسکیس و فادجوا[4]، ۲۰۱۴) به بررسی اثر مالیات بر ارزش‌افزوده بر تورم پرداخته می‌شود:

$$inf_{it} = \beta_0 + \beta_1 lGDPc_{it} + \beta_2 lVAT_{it} + \beta_3 lothertAX_{it} + \beta_4 Gini_{it} + \beta_5 lGCU_{it} + \beta_6 lGCA_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

که در آن، inf_{it}، نرخ تورم استان i ام درسال t ام، $lGDPc_{it}$ لگاریتم تولید سرانه استان i ام در سال tام، $lVAT_{it}$، لگاریتم سهم مالیات بر ارزش‌افزوده در استان i ام درسال t ام، $lother\ TAX_{it}$ لگاریتم سهم سایر مالیات‌ها از کل درآمدهای مالیاتی در استان i ام در سال t ام و $Gini_{it}$ ضریب جینی در استان i ام در سال t ام لگاریتم سهم اعتبارات هزینه‌ای دولت در تولید استانی در استان i ام درسال tام، $lGCA_{it}$ لگاریتم سهم اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه دولت در تولید در استان i ام درسال tام و e_{it} جمله اخلال است.

افزایش مالیات بر ارزش افزوده و سایر مالیات‌ها چنانچه باعث افزایش درآمدهای دولت گردد و هزینه‌های دولت افزایش نیابد، می‌تواند منجر به کاهش کسری بودجه یا حتی تراز بودجه شود و از این منظر باعث کاهش تورم می‌گردد. از این دید می‌توان گفت که اجرای مالیات بر ارزش افزوده ممکن است باعث کاهش تورم گردد و اثر کل بر تورم می‌تواند خنثی یا حتی منفی گردد (ارشدی و همکاران، ۱۳۹۰).

بر اساس مبانی نظری هزینه‌های زیرساختی و بهبود خدمات دولتی از طریق افزایش رشد اقتصادی می‌تواند منجر به کاهش تورم و از طریق افزایش قدرت خرید مصرف کنندگان می‌تواند منجر به بهبود تویع درآمد شود. بنابراین، انتظار بر این است که با افزایش سهم اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه دولت و ایجاد زیر ساخت‌های اقتصادی در استان‌ها نرخ تورم نیز کاهش یابد.

همچنین، بر اساس مبانی نظری و به پیروی از لی و همکاران (۲۰۱۳)، اثر مالیات بر ارزش‌افزوده بر تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت بررسی می‌شود:

$$lGCA_{it} = \beta_0 + \beta_1 lGDPc_{it} + \beta_2 lVAT_{it} + \beta_3 lotherTAX_{it} + \beta_4 lpop_{it} + \varsigma_{it} \quad (۳)$$

---

1. Tita
2. Carare & Danninger
3. Ikpe & Nteegah
4. Benkovskis & fadejeva

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

که در آن، $lGCA_{it}$ لگاریتم سهم اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه دولت در تولید در استان i ام، $lGDPc_{it}$ لگاریتم تولید سرانه استان i ام درسال t ام، $lVAT_{it}$، لگاریتم سهم مالیات بر ارزش افزوده در استان i ام درسال t ام، $lother\ TAX_{it}$ لگاریتم سهم سایر مالیات‌ها از کل درآمدهای مالیاتی در استان i ام در سال t ام و $lpop_{it}$ لگاریتم جمعیت در استان i ام درسال t ام و ς_{it} جمله اخلال است.

عملکرد اقتصادی و افزایش تولید استانی می‌تواند به عنوان یک عامل مهم در افزایش مخارج زیرساختی دولت با رویکرد منطقه‌ای باشد. همچنین ساختار مالیات‌ها و افزایش درآمدهای مالیاتی نقش مهمی در تأمین مالی دولت به عنوان یک منبع درآمدی پایدار دارد و می‌تواند منجر به افزایش مخارج زیرساختی دولت شود. چگالی جمعیت یا تراکم افزاد در مناطق مختلف نقش قالب توجهی در تخصیص بودجه مناقط مختلف دارد. بنابراین انتظار بر این است که با افزایش چگالی جمعیت در استان‌ها سهم اعتبارت مربوط به تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت نیز افزایش یابد.

داده‌های مالیات بر ارزش افزوده به تفکیک استانی از داده‌های گزارش شده دفتر پژوهش و بهبود فرایندهای سازمان امور مالیاتی کشور جمع‌آوری شده است. داده‌های مربوط به پرداخت اعتبارات هزینه‌ای دولت، تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت و داده‌های سایر مالیات‌ها به تفکیک استانی از بخش عملکرد مالی دولت و داده‌های ضریب جینی به تفکیک استانی از بخش شاخص‌های توزیع درآمد بانک داده‌های اقتصادی و مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی گرفته شده است. همچنین، داده‌های تولید ناخالص داخلی از فصل حساب‌های استانی، نرخ تورم از فصل شاخص قیمت‌ها، نرخ بیکاری از فصل نیروی انسانی و جمعیت از فصل جمعیت استان‌ها در سامانه سالنامه آماری گزارش شده توسط مرکز آمار جمع‌آوری شده است.[۱] در ادامه در جدول (۳)، آمار توصیفی متغیرهای مدل‌های برآوردی آورده شده است:

---

۱ . نویسندگان مقاله داده‌های مالیات بر ارزش افزوده در سال‌های مختلف به تفکیک استانی را با ارسال نامه مکتوب به سازمان امور مالیاتی دریافت کرده‌اند. داده‌های مربوط به پرداخت اعتبارات هزینه‌ای دولت، تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت و سایر مالیات‌ها به تفکیک استانی در سامانه دفتر آینده‌پژوهشی، مدلسازی و مدیریت اطلاعات وزارت امور اقتصادی و دارایی از سال ۱۳۸۷ گزارش شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای مدل‌های برآوردی در دوره زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۷)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
لگاریتم تولید سرانه استانی	۴/۸۹۰۱	۰/۲۷۷۰	۴/۱۵۳۵	۷/۱۰۳۲
لگاریتم سهم مالیات بر ارزش‌افزوده استانی	۳/۰۲۶۵	۰/۴۶۰۰	۲/۱۳۳۴	۴/۶۷۷۶
لگاریتم سهم سایر مالیات‌های استانی	۳/۴۰۵۹	۰/۵۴۹۸	۲/۴۶۱۰	۵/۴۵۸۵
لگاریتم سهم اعتبارات هزینه‌ای استانی دولت	۶/۸۹۸۳	۰/۳۵۹۷	۶/۲۴۹۳	۸/۱۸۷۳
لگاریتم سهم اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه استانی دولت	۶/۰۵۶۶	۰/۲۰۱۴	۵/۶۲۱۳	۶/۵۵۹۶
ضریب جینی استانی	۰/۳۶۰۲	۰/۰۷۱۸	۰/۲۳۰۰	۰/۵۴۵۰
نرخ بیکاری استانی	۱۱/۵۹۴۳	۳/۶۰۰۴	۵/۸۰۰۰	۳۵/۵۷۵۰
نرخ تورم استانی	۱۹/۰۸۸۸	۸/۸۲۶۴	۹/۰۰۰	۳۴/۷۰۰۰
لگاریتم جمعیت استانی	۶/۲۶۲۴	۰/۳۱۶۳	۵/۷۴۰۴	۷/۱۰۳۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

٤. برآورد الگوها و تحلیل نتایج

روش داده‌های تابلویی باعث تغییرپذیری بالاتر، همخطی چندگانه کمتر میان متغیرهای توضیحی، درجه آزادی بیشتر و کارآیی بالاتر تخمین‌زننده‌ها می‌شود و نسبت به روش داده‌های ترکیبی و سری زمانی دارای مزیت است (بالتاجی[1]، ۱۹۹۵). در ابتدا لازم است که به منظور انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی[2] و داده‌های تلفیقی[3]، از آماره لیمر استفاده می‌شود. با رد فرضیه H_0 از روش داده‌های تابلویی برای برآورد استفاده می‌شود. برای برآورد مدل به روش اثرات ثابت[4] و یا

1. Baltagi
2. Panel Data
3. Pooled Data
4. Fixed Effects

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

اثرات تصادفی[1] از آزمون هاسمن[2] استفاده می‌شود. فرضیه H_0 در این آزمون روش اثرات تصادفی است. نتایج آزمون‌های ی لیمر (چاو) و هاسمن در جدول(۴)، گزارش شده است.

جدول ۴. نتیجه آزمون ی لیمر و هاسمن برای معادلات تصریح شده در دوره زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۷)

آزمون / معادلات	آزمون ی لیمر	نتیجه	آزمون هاسمن	نتیجه
معادله اول	۹۸۷/۹۷ (۰/۰۰۰)	داده‌های تابلویی	۱۷/۷۵ (۰/۰۰۱)	اثرات ثابت
معادله دوم	۸۵۸/۴۱ (۰/۰۰۰)	داده‌های تابلویی	۴۹/۴۴ (۰/۰۰۰)	اثرات ثابت
معادله سوم	۲۱/۳۹ (۰/۰۰۰)	داده‌های تابلویی	۷/۳۲ (۰/۱۱۹۸)	اثرات تصادفی

مقادیر داخل پرانتز مقدار احتمال است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

از مهم‌ترین فروض رگرسیون کلاسیک، خودهمبستگی و واریانس همسانی است که نقض در هر یک از آنها می‌تواند نتایج به‌دست آمده از برآورد رگرسیون را مخدوش و نامناسب سازد. چنانچه یکی از فروض برقرار نباشد، برآورد مدل باید با استفاده از روش اثرات تصادفی تعمیم داده شده (GLS) صورت گیرد. در جدول(۵)، نتیجه آزمون خودهمبستگی و واریانس همسانی معادلات تصریح شده گزارش شده است:

1. Random Effects
2. Hausman Test

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

جدول ۵. نتیجه آزمون خودهمبستگی و واریانس همسانی معادلات تصریح شده

آزمون / معادلات	آزمون خودهمبستگی	نتیجه	آزمون واریانس همسانی	نتیجه
معادله اول	۹۵/۶۸ (۰/۰۰۰)	خودهمبستگی	۱۸/۱۴ (۰/۰۰۰)	واریانس ناهمسانی
معادله دوم	۲۳۳/۶۵ (۰/۰۰۰)	خودهمبستگی	۱۳۹/۷۵ (۰/۰۰۰)	واریانس ناهمسانی
معادله سوم	۶۹/۷ (۰/۰۰۰)	خودهمبستگی	۱۸۱/۲۹ (۰/۰۰۰)	واریانس ناهمسانی

مقادیر داخل پرانتز مقدار احتمال است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج آزمون F لیمر معادله توزیع درآمد به روش داده‌های تابلویی تأیید می‌شود و بر اساس آزمون هاسمن روش اثرات ثابت تأیید می‌شود. نتایج حاصل از برآورد معادله توزیع درآمد به روش اثرات ثابت در جدول (۶) گزارش شده است:

جدول ۶. نتایج برآورد معادله تصریح شده توزیع درآمد در دوره زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۷)

متغیر	ضریب برآوردی	آماره آزمون	سطح معناداری
لگاریتم تولید سرانه استانی	-۰/۰۵۳۱	-۲/۸۰	۰/۰۰۵
لگاریتم سهم مالیات بر ارزش‌افزوده استانی	-۰/۰۶۱۲	-۲/۳۹	۰/۰۱۸
لگاریتم سهم سایر مالیات‌های استانی	۰/۳۰۴۷	۳۶/۰۵	۰/۰۰۰
نرخ تورم استانی	۰/۰۰۰۲	۲/۵۴	۰/۰۱۲
عرض از مبدا	۱/۰۲۸	۱۱/۰۸	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل شده در جدول (۶) بیانگر این است که بین مالیات بر ارزش‌افزوده و ضریب جینی در استان‌های کشور رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش مالیات بر ارزش‌افزوده در استان‌های کشور توزیع درآمد بهبود یافته است. بنابراین، با توجه به معاف بودن

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

کالاهای ضروری از مالیات بر ارزش افزوده اقشار کم‌درآمد سهم کمتری از مالیات بر ارزش‌افزوده را در مقایسه با اقشار پردرآمد می‌پردازند. این امر می‌تواند منجر به بهبود توزیه درآمد در بین گروه‌های مختلف شود. همچنین، بین سهم سایر مالیات‌ها از کل درآمدهای مالیاتی و ضریب جینی در استان‌های کشور رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. دلیل این امر می‌تواند نظام مالیاتی ناکارآمد باشد که در آن بیشترین مالیات پرداختی مربوط به مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی است و سهم مالیات بر دارایی ناچیز است و این باعث افزایش نابرابری در بین گروه‌های مختلف درآمدی شده است.

همچنین، یافته‌ها نشان داده است که نرخ تورم تأثیری مثبت و معنادار بر ضریب جینی دارد. به بیان دیگر با افزایش نرخ تورم میزان نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد که این می‌تواند ناشی از کاهش قدرت خرید حقوق‌بگیران و افزایش نابرابری درآمدی در استان‌ها باشد.

بر اساس نتایج آزمون F لیمر معادله تورم نیز به روش داده‌های تابلویی تأیید می‌شود و بر اساس آزمون هاسمن روش اثرات ثابت تأیید می‌شود. نتایج حاصل از برآورد معادله تورم به روش اثرات ثابت در جدول (۷) گزارش شده است:

جدول ۷. نتایج برآورد معادله تصریح شده تورم در دوره زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۷)

متغیر	ضریب برآوردی	آماره آزمون	سطح معناداری
لگاریتم تولید سرانه استانی	۰/۸۹۷۰	۲/۲۳	۰/۰۲۶
لگاریتم سهم مالیات بر ارزش‌افزوده استانی	-۲/۰۰۶۹	-۵/۹۰	۰/۰۰۰
لگاریتم سهم سایر مالیات‌های استانی	-۰/۲۷۱۵	-۰/۳۴	۰/۷۳
ضریب جینی استانی	-۳/۸۶۰	-۶/۹۲	۰/۰۰۰
لگاریتم سهم اعتبارات هزینه‌ای دولت در استان	۱/۰۰۹	۳/۲۶	۰/۰۰۱
لگاریتم سهم اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه دولت در استان	-۰/۲۰۹۵	-۰/۵۵	۰/۵۸
عرض از مبدا	۱/۰۶۶	۰/۴۱	۰/۶۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

نتایج حاصل شده در جدول (۷) بیانگر این است که مالیات بر ارزش‌افزوده اثر منفی و معنادار بر نرخ تورم در استان‌های کشور داشته است. مالیات بر ارزش افزوده چنانچه باعث افزایش درآمدهای دولت گردد و هزینه‌های دولت افزایش نیابد، می‌تواند منجر به کاهش کسری بودجه یا حتی تراز بودجه شود و از این منظر باعث کاهش تورم می‌گردد. از این دید می‌توان گفت که اجرای مالیات بر ارزش افزوده ممکن است باعث کاهش تورم گردد و اثر کل بر تورم می‌تواند خنثی یا حتی منفی گردد (ارشدی و همکاران، ۱۳۹۰).

سایر مالیات‌ها اثر معناداری بر نرخ تورم نداشته‌اند. بر اساس مبانی نظری، وضع مالیات بر ارزش‌افزوده بر تمام کالاها و خدمات باعث افزایش قیمت آن‌ها در سال اول اجرای آن می‌شود، اما از آنجایی که در اغلب موارد پایه تولیدی برای مالیات بر ارزش‌افزوده در نظر گرفته نمی‌شود و معافیت‌هایی نیز وجود دارد، انتظار بر این است که مالیات بر ارزش‌افزوده در سال‌های بعد اثری بر تورم نداشته باشد. تجربه کشورهای مختلف در این زمینه نیز نشان می‌دهد که آثار غیرمستقیم ناشی از وضع مالیات بر ارزش‌افزوده بیشتر به انتظارات قیمتی ایجاد شده و افزایش دستمزدهای ناشی از جهش قیمت اولیه بر می‌گردد که در صورت عدم کنترل می‌تواند شدت یابد و باعث تورم شود. در این راستا، اطلاع رسانی کامل و مناسب در زمینه اجرای مالیات بر ارزش‌افزوده و معرفی مالیات به عنوان جایگزین سایر مالیات‌های غیرمستقیم و نظارت و کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از بروز اختلال در بازارها می‌تواند تا حد زیادی تورم ایجاد شده از این کانال را از بین ببرد و پس از مدتی ثبات قیمت‌ها را به اقتصاد برگرداند.

همچنین، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اعتبارات هزینه‌ای دولت نیز بر تورم استانی تأثیری مثبت و معنادار دارد، اما تملک دارایی‌های سرمایه دولت اثر معناداری بر تورم نداشته است. بنابراین، بزرگ‌تر شدن اندازه دولت از طریق فشار بر تقاضا منجر به تورم شده است. هرچند افزایش سهم اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه دولت در استان می‌تواند منجر به بهبود زیر ساخت‌های اقتصادی و افزایش رشد اقتصادی و کاهش نرخ تورم در هر منطقه شود.

بر اساس نتایج آزمون F لیمر معادله تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت به روش داده‌های تابلویی تأیید می‌شود و بر اساس آزمون هاسمن روش اثرات تصادفی تأیید می‌شود. نتایج حاصل از

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

برآورد معادله تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت به روش روش اثرات تصادفی در جدول(۸) گزارش شده است:

جدول ۸. نتایج برآورد معادلات تصریح شده تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در دوره زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۷)

متغیر	ضریب برآوردی	آماره آزمون	سطح معناداری
لگاریتم تولید سرانه استانی	۰/۲۳۶۱	۳/۷۶	۰/۰۰۰
لگاریتم سهم مالیات بر ارزش‌افزوده استانی	-۰/۱۴۱۹	-۲/۶۰	۰/۰۰۹
لگاریتم سهم سایر مالیات‌های استانی	-۰/۱۰۶۷	-۳/۶۳	۰/۰۰۰
لگاریتم جمعیت استانی	۰/۶۷۱۹	۹/۰۶	۰/۰۰۰
عرض از مبدا	۱/۰۳۸۶	۱/۸۶	۰/۰۶۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل در جدول (۸) نشان می‌دهد که مالیات بر ارزش‌افزوده و سهم سایر مالیات‌ها از کل درآمدهای مالیاتی دولت بر تملک دارایی سرمایه‌ای دولت در استان‌ها تأثیری منفی و معنادار دارد. دلیل این امر وابسته بودن بودجه دولت به درآمدهای رانتی در اقتصاد و سهم کمتر از ۴۰درصدی درآمدهای مالیاتی در تأمین مالی هزینه‌های جاری دولت است. بر این اساس، دولت مجبور به تأمین مالی اعتبارت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از طریق منابع صندوق توسعه ملی و یا انتشار اوراق خواهد بود. همچنین، نتایج بیانگر ارتباط مثبت و معنادار بین تولید ناخالص داخلی سرانه و اعتبارت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است. بر این اساس، افزایش تولید سرانه که تحت تأثیر درآمدهای نفتی است، می‌تواند منجر به تأمین مالی دولت در زمینه اجرای طرح‌های عمرانی و زیرساختی در استان‌ها شود. به علاوه، بین چگالی (تراکم) جمعیت و اعتبارت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان‌ها ارتباط مثبت و معنادار وجود داشته است. به عبارت دیگر، تخصیص اعتبارت استانی بر اساس رویکرد کارایی محور بوده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مالیات‌ها به عنوان اصلی‌ترین، باثبات‌ترین و پایدارترین منبع تأمین مالی دولت‌ها در جهان محسوب می‌شوند. بر این اساس، مالیات بر ارزش‌افزوده به عنوان مالیاتی غیر مستقیم که بر مصرف کالاها وخدمات وضع می‌شود، در بیش از ۱۶۰کشور جهان وضع می‌شود. استقرار مالیات بر ارزش‌افزوده در ایران به عنوان بخش مهمی از تحولات نظام مالیاتی کشور محسوب می‌شود که از سال ۱۳۸۷ اجرایی شده و نرخ آن از ۳ درصد در سال اول اجرا به ۹ درصد در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است. هرچند اجرای این طرح، مخالفان و موافقانی را نیز به همراه داشته است. در این تحقیق عملکرد درآمدی مالیات بر ارزش‌افزوده بر تورم، توزیع درآمد و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در استان‌های ایران در دوره (۱۳۹۵-۱۳۸۷) با استفاده از مدل‌های داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل شده نشان داده است که مالیات بر ارزش‌افزوده تأثیری منفی و معنادار بر نابرابری درآمدی داشته است و با افزایش سهم مالیات بر ارزش‌افزوده در درآمدهای مالیاتی، توزیع درآمد بهبود یافته است. هرچند، سهم سایر مالیات‌ها از کل درآمدهای مالیاتی در استان‌ها باعث افزایش ضریب جینی و بدتر شدن توزیع درآمد شده است. این امر می‌تواند ناشی از ناکارامدی نظام مالیاتی باشد که بیشترین مالیات‌ها بر درآمد اشخاص حقیق و حقوقی وضع می‌شود و سهم مالیات بر ثروت در درآمدهای مالیاتی ناچیز است.

از سوی دیگر، مالیات بر ارزش‌افزوده تأثیری منفی و معنادار بر تورم در استان‌ها داشته است. تجربه کشورهای مختلف در این زمینه نشان می‌دهد که آثار غیرمستقیم ناشی از وضع مالیات بر ارزش‌افزوده بیشتر به انتظارات قیمتی ایجاد شده و افزایش دستمزدهای ناشی از جهش قیمت اولیه بر می‌گردد که در صورت عدم کنترل می‌تواند شدت یابد و باعث تورم شود. بر این اساس، اطلاع رسانی کامل و مناسب در زمینه اجرای مالیات بر ارزش‌افزوده و معرفی آن به عنوان جایگزین مالیات بر عوامل تولید تا حد زیادی می‌تواند تورم حاصل شده را تعدیل و پس از مدتی ثبات قیمت‌ها را به اقتصاد برگرداند.

همچنین، سهم مالیات بر ارزش‌افزوده در درآمدهای مالیاتی بر تملک دارایی سرمایه‌ای دولت در استان‌ها تأثیری منفی و معنادار دارد. دلیل این امر وابسته بودن بودجه دولت به درآمدهای رانتی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

در اقتصاد است و درآمدهای مالیاتی کمتر از ۴۰ درصد هزینه‌های جاری دولت را تأمین مالی می‌کند. بر این اساس، دولت مجبور به تأمین مالی اعتبارت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از طریق منابع صندوق توسعه ملی و یا انتشار اوراق خواهد بود.

در راستای نتایج حاصل شده و اثراتی که مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد، تورم و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در استان‌ها داشته است، پیشنهاد می‌شود که سازمان امور مالیاتی با فراهم آوردن زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم برای اجرای کامل قانون مالیات بر ارزش‌افزوده را فراهم کند. همچنین، با اطلاع‌رسانی دقیق و آموزش مقررات مربوط به مالیات بر ارزش افزوده به مؤدیان و ممیزان مالیاتی و شناسایی دقیق و به روز اعتبار مالیاتی مؤدیان مالیاتی و فعالان اقتصادی مانع از شکل‌گیری انتظارات تورمی شود. به علاوه، انتظار بر این است که با افزایش سهم مالیات بر ارزش افزوده و معرفی پایه‌های جدید مالیاتی، نرخ مالیات بر عوامل تولید تعدیل شود تا با کاهش بار مالیاتی ناشی از آن، منجر به رونق تولید و بهبود توزیع درآمد و افزایش اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در اقتصاد و استان‌ها شود.

منابع

ارشدی، علی؛ نجفی‌زاده، سید عباس و مهدی مهران (۱۳۹۰). "تأثیر مالیات بر ارزش‌افزوده بر قیمت‌ها در ایران". *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*. سال نوزدهم، شماره ۵۸، صص۱۵۸-۱۲۷.

امین رشتی، نارسیس و مژگان رفعت میلانی (۱۳۹۰). "بررسی اثر مالیات بر ارزش‌افزوده بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب"، *پژوهش‌نامه مالیات*، جلد ۱۹، شماره ۱۱، صص ۸۴-۶۳.

انصاری سامانی، حبیب و راضیه سادات داودی (۱۳۹۶). "بررسی اثر مالیات بر ارزش‌افزوده بر تورم در استان‌های ایران". *فصلنامه اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، سال بیست و چهارم، دوره جدید شمارهٔ ۱۳، صص ۱۱۱-۸۶.

ایزدخواستی، حجت و عباس عرب‌مازار (۱۳۹۶). "تحلیل عملکرد، کارایی وصول و چالش‌های اجرایی مالیات بر ارزش افزوده در ایران"، *پژوهشنامه مالیات*، شماره سی و ششم (مسلسل ۸۴)، صص۷۹-۴۳.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۴). *ارائه سیستم حسابداری مالیات بر ارزش‌افزوده و اجرای آن برای شرکت‌ها و صاحبان مشاغل در استان مازندران*. گزارش نهایی طرح تحقیقاتی. تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.

ضیائی بیگدلی، محمدتقی و فرهاد طهماسبی بلداجی (۱۳۸۴). *مالیات بر ارزش افزوده مالیاتی مدرن*، انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی، چاپ دوم.

طیب‌نیا، علی؛ رفعتی، علی و محسن یزدان‌پناه (۱۳۸۴). "بررسی اثرات احتمالی اجرای مالیات بر ارزش‌افزوده در ایران بر نابرابری". *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۰، شماره ۶۸، صص۳۳۶-۳۰۵.

علیزاده، محمد و معصومه مطلبی (۱۳۹۵). "بررسی تأثیر مالیات بر ارزش‌افزوده بر اندازه دولت در اقتصاد ایران (با استفاده از آزمون کرانه‌ها)"، *فصلنامه مدلسازی اقتصادسنجی*، سال دوم، شماره اول، صص۱۵۶-۱۳۵.

Alavuotunki K., Haapanen M. and J. Pirttila (2018). The Effects of the Value-Added Tax on Revenue and Inequality, The Journal of Development Studies, 55 (4): 490-508.

Alavuotunki K. and J. Pirttila (2015). The consequences of the value-added tax on inequality; *Working paper*, 111. New York: United Nations.

Baltagi B.H. (1995). Econometric Analysis of Panel Data, John Wiley and Sons, New York.

Benkovskis K. and L. fadejeva (2014). The effect of VAT rate on inflation in Latvia: evidence from CPI microdata. *Applied Economics*, 46 (21), pp. 2520-2533.

Carare A. and S. Danninger (2008). Inflation Smoothing and the Modest Effect of VAT in Germany, *IMf Working Paper*, P/08/175.

Ghadeer Amer A., Basma A., Lama A.S., Modhi A., Hadeel A. H., Haifaa A. and A. Muneerah (2020). The Value-Added Tax (VAT): Effects on Saudi Economy in The Light of the Saudi Vision 2030, International Journal of Scientific Research in Science and Technology, 7(2), pp. 201-214.

GillJet B.S. (2003). The Nuts and Bolts Of Revenue Administriation Reform, Washington DC, World Bank, Mimeo.

Keen M. and B. Lockwood (2010). "The Value added tax: Its causes and consequences". *Journal of Development Economics*, 92(2), pp. 138-151.

Koen C., Kees G. and W. Chen (2012). Disentangling Income Inequality and the Redistributive Effect of Taxes and Transfers in 20 LIS Countries over Time, *Working Paper Series*, No. 581.

Lin S. (2008). "Chinas value – added tax reform, capital accumulation, and welfare implications", *China Economic Review*, 19(2), pp. 197-214.

Losifidi M. and N. Mylonidis (2017). "Relative effective taxation and income inequality: Evidence from OECD countries", *Journal of European Social Policy* 27(1), pp. 57-76.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]

Metekohy S. (2015). The Influence of Value Added Tax (Vat) Assessment on Income Distribution of Consumer of Garment in West Java. *Review of European Studies*, 7(7), pp. 69-79.

Olatunj O. C. (2013). Value Added Tax (VAT) and Inflation in Nigeria (1990 to 2003). *Asian Journal of Humanities and Social Sciences*, 1(1), pp. 123-135.

Tail A.A. (1991). Value Added Tax: Administrative and Policy Issues, Occasional Paper, *IMf*, No 8.

Tait Alan A. (1991). The Value Added Tax: Administrative and Policy Issues, *IMf Occasional Paper*, No. 88, Washington: International Monetary fund.

Worldwide VAT GST and Sales Tax Guide (2017). Available at:

http://www.ey.com/en_gl/tax-guides/worldwide-vat--gst-and-sales-tax-guid.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.227]